



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

# اقتصاد به زبان ساده

(شماره ۴۹)

## تقاضای موثر

تزیین شده در:

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

شهریور ماه ۱۳۹۹

## پیشگفتار

به منظور آشنایی هرچه بیشتر علاقمندان با مفاهیم اقتصادی و به کارگیری صحیح این موارد در تحلیل‌های اقتصادی، ایده تهیه و ارائه بروشورهایی با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در معاونت اقتصادی اتاق ایران طرح گردید و توسط مرکز پژوهش‌های اقتصادی به اجرا درآمد. نسخه پیش‌رو، چهل‌ونهمین خروجی این ایده می‌باشد. به‌منظور بهبود نسخه‌های بعدی، در انتها یک فرم ارزیابی تهیه و تنظیم گردیده است که خواهشمندیم فرم مذکور را تکمیل و از طریق دبیر کمیسیون خود یا آدرس ایمیل [research-center@iccim.ir](mailto:research-center@iccim.ir) مرکز پژوهش‌ها را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازید.

## مفهوم تقاضا و تقاضای مؤثر

مفهوم تقاضا<sup>۱</sup> در یک سطح کلی، به تمایل برای خرید و کسب هر نوع کالا یا خدمت از سوی افراد جامعه برای رفع نیازها و خواسته‌هایشان تعبیر می‌شود. با عنایت به آنکه تصمیم به تقاضا و خرید کالاها از عوامل مختلفی از جمله: قیمت کالای مورد نظر، درآمد، سلیقه افراد، قیمت سایر کالاها، مشابه و... تأثیر می‌پذیرد و با توجه به آنکه نیازهای افراد نامحدود بوده و در مقابل توان مالی و درآمد افراد محدود می‌باشد، لذا در عمل تمام نیازهای افراد تبدیل به تقاضا نمی‌گردد و به علت وجود محدودیت درآمدی افراد، تنها بخشی از نیازها به تقاضا تبدیل می‌شود. از این رو، تقاضای مؤثر<sup>۲</sup> زمانی پدید می‌آید که فرد تقاضا کننده علاوه بر آنکه تمایل به کسب کالا یا خدمت دارد، توانایی پرداخت قیمت کالا را نیز داشته باشد و در نهایت تمایل داشته باشد در قیمت معلوم شده کالا را خریداری کند. بنابراین به زبانی ساده می‌توان اینگونه بیان کرد که تقاضا به طور کلی طلب یا خواستن هر نوع کالا یا خدمت از سوی افراد جامعه تعریف می‌شود، در حالی که تقاضای مؤثر می‌بایست سه ویژگی شامل خواستن<sup>۳</sup>، توانایی پرداخت<sup>۴</sup> و تمایل به پرداخت<sup>۵</sup> را به صورت توأمان دارا باشد.

<sup>1</sup> Demand

<sup>2</sup> Effective Demand

<sup>3</sup> Desire

<sup>4</sup> Ability

<sup>5</sup> Willingness

## تاریخچه شکل‌گیری مفهوم تقاضای مؤثر

تجربه تاریخی رکود عمیق سال ۱۹۲۹ که انعکاسی از عدم تعادل عمیق در سطح کلان کشورهای پیشرفته بود، به خوبی نشان می‌دهد که بی‌توجهی به درآمد و قدرت خرید و در نتیجه نبود تقاضای مؤثر در اقتصاد چه پیامدهایی را در سطح کلان به همراه خواهد داشت.

بر اساس این تجربه تاریخی ملاحظه شد که ظهور پدیده انقلاب صنعتی (در پایان قرن هجدهم)، ضمن کاستن از هزینه‌های تولید، زمینه را برای افزایش مستمر تولیدات فراهم آورد. ولی از آنجایی که دستمزد کارگران در سطح حداقل معیشت ثابت مانده بود و بر اساس سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) تعدیل نشده بود، لذا کارگران و خانوارها از قدرت خرید لازم برای تقاضای کالاهای تولید شده برخوردار نبودند و نبود قدرت خرید با دامن زدن به کساد در بازار، منجر به تعدیل کارگران و کاهش نرخ دستمزدها گردید که این مسأله نیز با تحلیل بردن بیشتر قدرت خرید کارگران، مشکل کمبود تقاضای مؤثر را گسترده‌تر و عمیق‌تر ساخت، به نحوی که در ابتدای قرن بیستم رکودی را در اقتصاد ایجاد کرد که انعکاسی از یک ناسازگاری و عدم تعادل عمیق در سطح کلان اقتصادی بود.

در این زمان بود که جان مینارد کینز<sup>۱</sup> اقتصاددان برجسته وقت، عنوان کرد که اقتصاد در سطح کلان نیاز به مدیریت دارد و این مدیریت می‌بایست از مجرای تنظیم و افزایش تقاضا صورت پذیرد. لذا پیشنهاد داد که دولت از طریق اعمال سیاست‌هایی همچون تقویت سندیکاهای کارگری برای افزایش نرخ دستمزدها و افزایش پرداخت‌های انتقالی به مردم از طریق گسترش بیمه‌های بیکاری و صندوق‌های تأمین اجتماعی که به تحریک تقاضا می‌انجامد، زمینه ایجاد درآمد و قدرت خرید را برای مردم فراهم آورد و از این‌گذر زمینه‌ساز خروج اقتصاد از رکود گردد.<sup>۲</sup> در حقیقت کینز معتقد بود تا زمانی که تقاضا از سمت بهبود قدرت خرید تحریک نشود، بخش تولیدی اقتصاد قابلیت رشد و پیشرفت نخواهند یافت؛ چرا که تولیدات می‌بایست به فروش برسند

<sup>۱</sup> جان مینارد کینز (John Maynard Keynes) (۱۸۸۳-۱۹۴۶) یکی از اقتصاددانان بزرگ انگلیسی است که تأثیری ژرف بر علم اقتصاد گذاشته است. وی بنیان‌گذار مکتب اقتصاد کینزین می‌باشد.

<sup>۲</sup> شاکری، ۱۳۸۷

و گردش درآمدی برای بنگاه اقتصادی ایجاد شود تا از این طریق امکان تولید بیشتر برای بنگاه فراهم شود. در غیر این صورت تولید آسیب دیده و به تبع آن بنگاه‌ها ناچار به تعدیل نیروی کار برای کاهش هزینه‌های خود می‌گردند. در واقع، بررسی تاریخچه شکل‌گیری مفهوم تقاضای مؤثر گویای این پیام است که اگر چه کانون اصلی و نخست برای تحقق تقاضای مؤثر در اقتصاد، بهبود ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی اقتصاد است، اما ضروریست درآمد نیروی کار متناسب با تورم تعدیل شود تا از این‌گذر، امکان استمرار تقاضا مؤثر در اقتصاد فراهم آید.

### اهمیت تقاضای مؤثر در اقتصاد

اهمیت وجود تقاضای مؤثر در اقتصاد، به‌واسطه نقشی است که این عامل در "ایجاد و استمرار رونق در بازار و اقتصاد" ایفا می‌کند. در واقع، بنا بر آنچه که پیش‌تر بیان شد، تقاضای مؤثر آن مقدار کالا یا خدمتی است که شخص مایل و قادر به خرید آن می‌باشد. لذا، وجود تقاضای مؤثر، حکایت از فروش کالاها و یا خدمات تولید شده در اقتصاد دارد. از این‌رو، افزایش تقاضای مؤثر با تشویق بنگاه‌ها به تولید بیشتر و افزایش ظرفیت‌های تولیدی از طریق افزایش استخدام نیروی کار، منجر به افزایش اشتغال در سطح کلان و ایجاد درآمد پایدار برای افراد و استمرار تقاضا در اقتصاد می‌گردد. شایان توجه است که صرفاً تولید بیشتر کالاها و خدمات منجر به فروش بیشتر یا به عبارتی تقاضای بیشتر محصولات یا خدمات تولید شده در بازار نخواهد شد و این مهم در سایه ایجاد درآمد و قدرت خریدی متناسب با تورم موجود در اقتصاد فراهم می‌گردد. در صورتی فروش کالاها و خدمات تولید شده در اقتصاد افزایش می‌یابد که افراد بتوانند اولاً درآمد پایدار و مطمئن داشته باشند و در ثانی بتوانند با درآمد خود کالا یا خدمتی را در اقتصاد تقاضا کنند یا به عبارت دیگر درآمدهای آنان بتواند برایشان قدرت خریدی متناسب با تورم موجود در اقتصاد را فراهم آورد.

وجود و استمرار تقاضای مؤثر در اقتصاد زمانی محقق می‌گردد که دستمزدهای افراد علاوه بر ایجاد توانایی به منظور پاسخ به نیازهای مصرفی، آنها را قادر سازد که بخشی از درآمد خود را پس‌انداز کنند و در عین حال فضای کلان اقتصاد نیز مشوق و هدایت‌کننده این پس‌اندازها

به سمت فعالیت‌های تولیدی و مولد اقتصاد باشد، تا از این‌گذر ظرفیت‌های تولیدی و اشتغال‌زایی اقتصاد تقویت گردد و افراد به درآمد پایدار که سوخت اصلی روشن کردن موتور تقاضای موثر است، دست یابند.

این در حالی است که اگر فضای کلان اقتصاد بی‌ثبات باشد و تورم‌های بالا را تجربه کند، نه‌تنها افراد به علت تحلیل رفتن قدرت خریدشان در تأمین مایحتاج مصرفی خود با مشکل مواجه می‌گردند و مشکل کمبود تقاضای موثر رخ‌نمایی می‌کند، بلکه در فضای بی‌ثبات اقتصادی، پس‌اندازها نیز به سمت فعالیت‌های سوداگرانه و رقیب تولید (بازار طلا، ارز، مسکن و...) سرازیر می‌شوند که این شرایط نیز ضمن دامن زدن به کمبود نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی، بسیاری از واحدهای تولیدی را به ورطه تعطیلی یا ادامه فعالیت در زیر ظرفیت بهینه می‌کشاند. در این شرایط پدیده رکود و تورم در اقتصاد تعمیق می‌شود، فقر و نابرابری در اقتصاد گسترده‌تر می‌گردد، فشار معیشتی بر خانوارها افزایش می‌یابد، بحران کمبود تقاضای موثر بیشتر رخ‌نمایی می‌کند و از این ناحیه نیز پیامدهای گسترده‌ای بر اقتصاد و معیشت خانوارها وارد می‌گردد.<sup>۱</sup>

### عوامل تعیین‌کننده تقاضای مؤثر

با عنایت به آنکه تقاضای موثر به تقاضایی گفته می‌شود که برای تحقق آن باید ما به ازای کالایی در اقتصاد وجود داشته باشد، لذا می‌توان گفت که از یک سو، تقاضای موثر با تولید کل اقتصاد متناظر می‌باشد؛ چراکه عوامل اقتصادی براساس نقش آفرینی در تولید کل، درآمد کسب می‌کنند و این درآمد را یا صرف خرید کالاها و خدمات می‌کنند و یا پس‌انداز می‌کنند که در نهایت این پس‌اندازها نیز به سرمایه‌گذاری منجر می‌شود.

از سوی دیگر می‌توان اینگونه بیان کرد که تقاضای موثر معادل با مخارج صرف شده برای خرید کالاها و خدمات مصرفی یا سرمایه‌گذاری توسط دولت و بخش خصوصی است. بر این اساس عوامل تعیین‌کننده تقاضای مؤثر را می‌توان در قالب موارد زیر طبقه‌بندی کرد:

<sup>۱</sup> ماه‌جان، ۲۰۰۸



**مخارج مصرفی<sup>۱</sup>** به عنوان اولین عامل اثرگذار بر تقاضا عبارت است از پولی که توسط افراد برای خرید کالاها و خدمات به منظور رفع نیازهایشان پرداخت می‌شود و با افزایش درآمد، مقدار مصرف و خرج کردن بر روی کالاهای مصرفی افزایش می‌یابد.

**مخارج سرمایه‌ای<sup>۲</sup>** به عنوان دومین جزء اثرگذار بر تقاضای مؤثر، عبارت از پولی است که یا برای خرید دارایی‌های ثابت خرج می‌شود و یا برای اضافه کردن ارزشی به دارایی‌های ثابت فعلی هزینه می‌گردد.

شایان ذکر است که بخشی از درآمد هر فرد ممکن است مصرف نشود و پس‌انداز گردد و این پس‌اندازها نیز در نهایت تحت عنوان وام در اختیار صاحبان کسب‌وکارها و مشاغل قرار گیرد و آن‌ها این پس‌اندازها را در راستای افزایش ظرفیت تولیدی بنگاه خود و یا به روز رسانی دارایی‌های فیزیکی مانند تجهیزات یا املاک و مستغلات بکار گیرند. از این‌رو، آن بخش از درآمد افراد که پس‌انداز می‌شود نیز در نهایت بر روی کالاهای سرمایه‌ای همچون ساختمان، ماشین‌آلات و... به‌عنوان دومین عامل شکل دهنده تقاضای مؤثر، هزینه می‌گردد.

مخارج سرمایه‌ای و هزینه کرد بر روی کالاهای سرمایه‌ای از دو زاویه بر تقاضا مؤثر واقع می‌گردد. اول آنکه، مخارج سرمایه‌گذاری با ایجاد تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای نظیر ماشین‌آلات، ساختمان و ... موجب ایجاد تقاضای مؤثر در اقتصاد می‌شود و دوم آنکه، گسترش ظرفیت‌های تولیدی بنگاه‌ها موجب می‌شود تا تمایل بنگاه‌ها برای استخدام نیروی کار افزایش یابد و افزایش اشتغال، البته در صورتی که با ایجاد درآمد پایدار برای افراد و بهبود قدرت خرید آنها همراه باشد، تقاضای مؤثر را استمرار می‌بخشد.

**مخارج دولت<sup>۳</sup>** به عنوان سومین عامل اثرگذار بر تقاضا عبارت است از، کلیه مخارج مصرفی و سرمایه‌ای بخش دولتی به‌منظور برآورده ساختن نیازهای فردی و یا نیازهای جمعی جامعه که در قالب مخارج عمومی از سوی دولت در اقتصاد هزینه می‌شود. در واقع، این نوع از هزینه شامل

<sup>1</sup> Consumption Expenditure

<sup>2</sup> Investment Expenditure

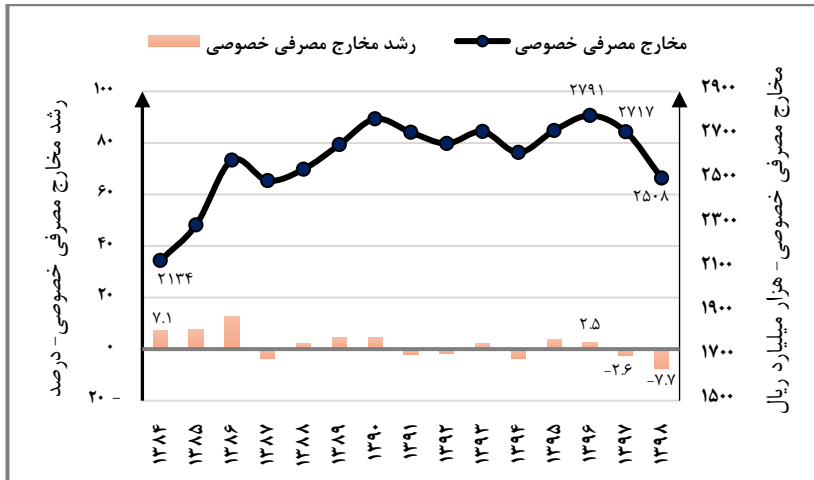
<sup>3</sup> Government Expenditure

هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری مربوط به تولید کالا و خدمات عمومی می‌باشد که توسط واحدهای تولیدی دولتی برای تولید کالاها و خدمات مورد نیاز افراد جامعه به طور رایگان و یا با قیمت بسیار پایین هزینه می‌گردد. به عنوان مثال، می‌توان به مخارجی که دولت برای عمران و آبادانی کشور انجام می‌دهد و یا مخارجی که برای آموزش و بهداشت صرف می‌کند، اشاره کرد.

## وضعیت تقاضای مؤثر در اقتصاد ایران

همانطور که پیش‌تر نیز بیان شد، مصرف (خصوصی و دولتی) و سرمایه‌گذاری از عناصر اصلی تشکیل دهنده تقاضای مؤثر در اقتصاد محسوب می‌شوند، لذا در ادامه روند هزینه مصرف بخش خصوصی، دولتی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تصویر کشیده شده است. بر اساس نمودار شماره (۱)، مشاهده می‌شود که هزینه مصرف بخش خصوصی در کل روندی نوسانی داشته و طی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ کاهش چشمگیری را تجربه کرده است؛ به طوریکه هزینه مصرف حقیقی بخش خصوصی در سال‌های مذکور به ترتیب رشد منفی ۲٫۶ و ۷٫۷ درصد را ثبت کرده است.

نمودار ۱- روند سالیانه و رشد مخارج مصرف بخش خصوصی (سال پایه ۱۳۹۰)



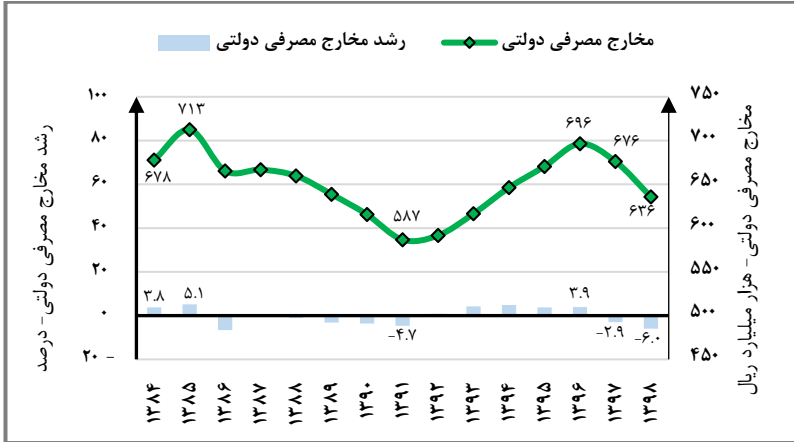
مأخذ: بانک مرکزی

مخارج مصرف بخش دولتی در نمودار شماره (۲) به تصویر کشیده شده است. مشاهده می‌شود که هزینه‌کرد مصرفی بخش دولتی نیز طی دوره مورد بررسی روند نوسانی داشته و در دو سال اخیر کاهش قابل توجهی را تجربه کرده است که ناشی از خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام و تحمیل دور جدیدی از تحریم‌های مالی و نفتی از ابتدای سال ۱۳۹۷ می‌باشد. در واقع، بازگشت شرایط تحریمی به اقتصاد کشور، محدودیت‌های درآمدی گسترده‌ای را بر منابع استحصالی دولت، از زاویه کاهش درآمدهای حاصل از صادرات نفت (کاهش صادرات نفت و افزایش هزینه برای دستیابی به منابع مالی حاصل از صادرات نفت) وارد ساخته و ضمن افزایش کسری بودجه دولت، بر مخارج مصرفی دولت نیز اثر سوء به جای گذاشته است.





نمودار ۲- روند سالیانه و رشد مخارج مصرف بخش دولتی (سال پایه ۱۳۹۰)

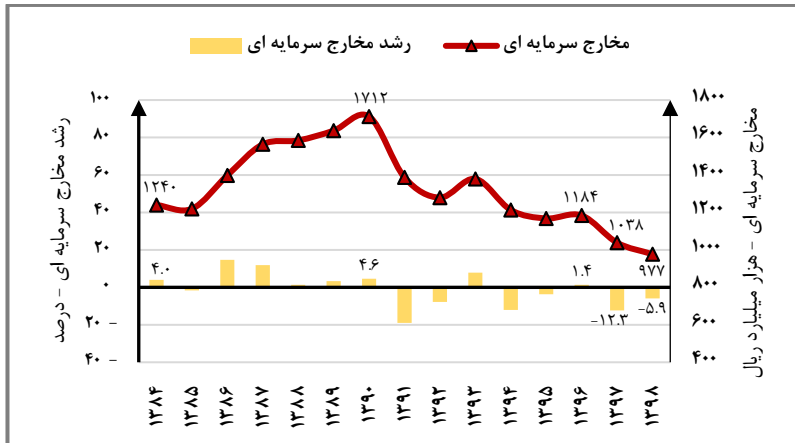


مأخذ: بانک مرکزی

بررسی روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ نیز مطابق نمودار شماره (۳)، عملکرد ضعیف اقتصاد کشور در زمینه تشکیل سرمایه ثابت طی سال‌های دهه ۱۳۹۰ قابل را نشان می‌دهد و حاکی از آن است که همگام با تحمیل شرایط تحریمی به کشور، روند تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد تضعیف شده است. به‌طوریکه بر اساس برآوردهای بانک مرکزی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰، در سال ۱۳۹۱ که سال اول اعمال تحریم‌ها به شمار می‌رود، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص رشد منفی ۱۹ درصدی را ثبت کرده است. همچنین، از سال ۱۳۹۷ همگام با خروج آمریکا از توافق برجام و اعمال دور جدیدی از تحریم‌ها علیه کشورمان و متعاقب آن پرش‌های متعدد نرخ ارز که یکی از عوامل مهم ایجاد عدم اطمینان در اقتصاد کشور بوده، سیر نزولی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (سرمایه‌گذاری) در اقتصاد طی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ تشدید شده است، به‌طوریکه رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص برای سال‌های مذکور به ترتیب معادل منفی ۱۲٫۳ درصد و منفی ۵٫۹ درصد ثبت شده است.



### نمودار ۳- روند سالیانه و رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (قیمت ثابت ۱۳۹۰)



مأخذ: بانک مرکزی

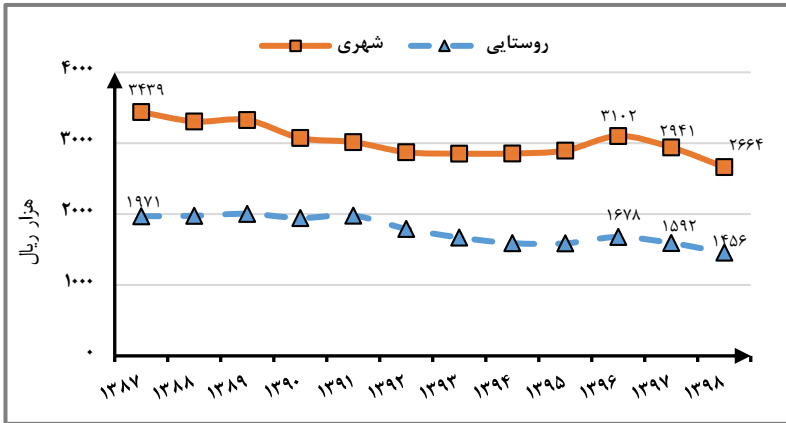
بنابراین با بررسی روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در کشور طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ این نتیجه حاصل می‌شود که وضعیت سرمایه‌گذاری و ارتقای ظرفیت‌های تولیدی کشور به علت شرایط تحریمی، نااطمینانی‌های پدید آمده در اقتصاد، جهش‌های گسترده در نرخ ارز و... مطلوب نیست و از این ناحیه نیز مخارج سرمایه‌ای به‌عنوان یکی از اجزای مهم در تحریک تقاضای مؤثر به شدت تنزل یافته است.

ارزیابی میزان هزینه‌کرد خانوارها به‌عنوان یکی از اجزای تشکیل دهنده تقاضا می‌تواند تصویر روشنی از روند تقاضای مؤثر در اقتصاد کشور ارائه کند؛ چراکه سمت تقاضای اقتصاد به‌طور عمده توسط خانوارها شکل می‌گیرد و از سوی دیگر خانوارها صاحبان عوامل تولید و یک عامل مهم تعیین‌کننده جریان تولیدی اقتصاد محسوب می‌شوند. از این‌رو، روند هزینه‌های مصرفی حقیقی<sup>۱</sup> خانوارها به تفکیک شهری و روستایی طی ده سال اخیر در نمودار شماره (۴) نشان داده شده است.

<sup>۱</sup> در واقع هزینه مصرفی خانوار با استفاده از شاخص قیمت تعدیل شده و اثرات رشد قیمت‌ها از آن خارج شده است.



نمودار ۴- متوسط هزینه کل سالانه خانوارهای شهری و روستایی به قیمت ثابت ۱۳۹۵

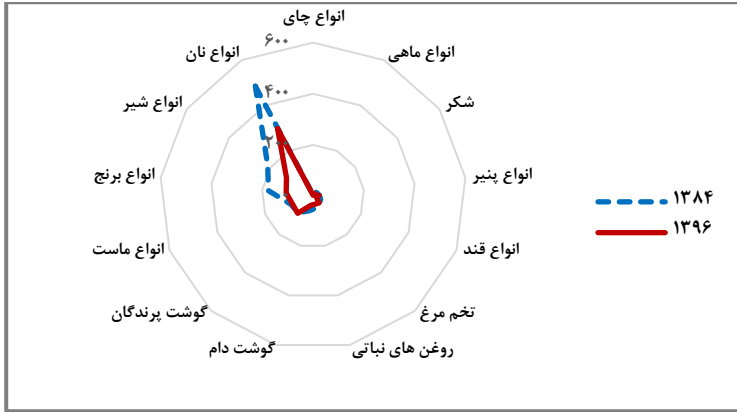


مأخذ: مرکز آمار ایران

بررسی هزینه‌کرد خانوارهای شهری و روستایی براساس قیمت ثابت بیانگر این واقعیت است که متوسط هزینه خانوار شهری و روستایی به قیمت ثابت روند کاهشی را تجربه کرده و به جز سال ۱۳۹۶ که متوسط هزینه کل خانوار شهری رشد مثبت ۵٫۵ درصدی و خانوار روستایی رشد مثبت ۳٫۸ درصدی را ثبت کرده، توان اقتصادی خانوارهای شهری و روستایی مدام در حال کاهش بوده است و این وضعیت به ویژه در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ شدت گرفته است. این روند در هزینه‌کرد خانوارهای شهری و روستایی به معنای کوچک شدن سبد مصرفی خانوارهای است و حکایت از این واقعیت دارد که خانوارها توانسته‌اند سطح هزینه‌های خود را متناسب با تورم پوشش دهند و رفاه آنها به‌طور مداوم از دست رفته است.

به علاوه، مقایسه مقدار مصرف سالانه اقلام ضروری یک خانوار شهری در سال ۱۳۸۴ با سال ۱۳۹۶ نشان‌دهنده کوچک‌تر شدن سبد مصرفی خانوارها دارد که مؤید کاهش قدرت خرید خانوارهاست.

نمودار ۵- متوسط مقدار مصرف سالانه یک خانوار شهری (کیلوگرم)



مأخذ: بانک مرکزی

بر اساس آنچه که بیان شد، کاهش قدرت خرید خانوارهای شهری و روستایی و به تبع آن کاهش تقاضای مؤثر طی یک دهه اخیر کاملاً مشهود است. از این رو، در ادامه به آسیب شناسی شرایط نامساعد تقاضای مؤثر در کشور پرداخته می‌شود.

### آسیب شناسی شرایط نامطلوب تقاضای مؤثر در اقتصاد ایران

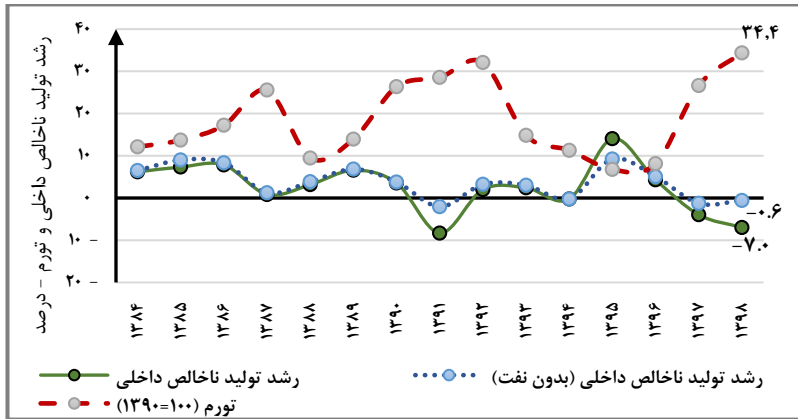
با عنایت به آنکه کانون اصلی ایجاد تقاضای مؤثر دسترسی افراد به درآمد پایدار می‌باشد، لذا در ادامه به آسیب‌شناسی وضعیت تقاضای مؤثر در اقتصاد کشور از منظر وضعیت تولید و اشتغال پرداخته می‌شود.

### وضعیت تولید در اقتصاد کشور

یکی از چالش‌های اساسی در اقتصاد کشور وجود پدیده رکود تورمی است که با دامن زدن به معضل بیکاری و تحلیل بردن ظرفیت‌های اشتغالزایی اقتصاد، قدرت خرید خانوارها را تضعیف کرده است و سبب افت تقاضای مؤثر در اقتصاد شده است. با نگاهی به نمودار شماره (۶) می‌توان به وضوح مشاهده نمود که طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۸، به جز چند سال اقتصاد ایران شاهد تورم‌های بالایی بوده است. همچنین اگر تنزل قابل ملاحظه رشد اقتصادی طی دوره مذکور را

در کنار تورم‌های بالا طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ قرار دهیم، می‌توان وضعیت رکود تورمی در اقتصاد کشور را به وضوح مشاهده نمود.

نمودار ۶- روند رشد اقتصادی و تورم (سال پایه ۱۳۹۰)



مأخذ: مرکز آمار ایران

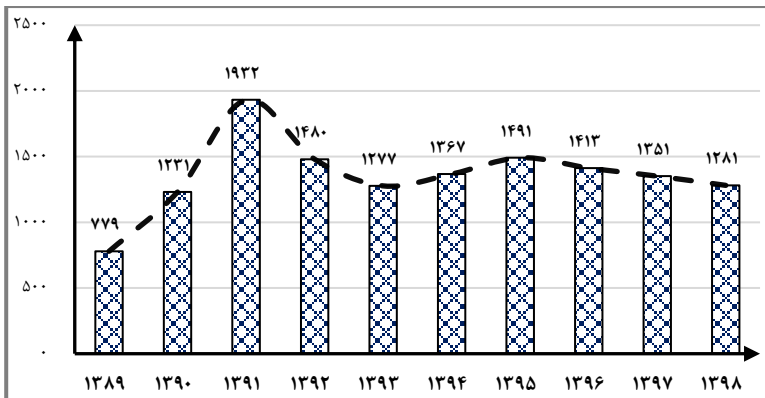
ارزیابی شاخص مقدار تولید بخش صنعت<sup>۱</sup> نیز گویای تعمیق شرایط رکودی اقتصاد است. بر اساس آخرین آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران، شاخص مقدار تولید بخش صنعت، در سال ۱۳۹۷ به ۹۱٫۳ درصد رسیده که نسبت به دوره مشابه سال قبل کاهش معادل ۶٫۵ درصد داشته است. همچنین بررسی وضعیت تولید ۳۱ کالای منتخب صنعتی طی سال ۱۳۹۷ نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهد که میزان تولید ۲۲ نوع از کالاهای منتخب صنعتی کاهش یافته است. رشد منفی این تعداد از کالاهای منتخب صنعتی و ثابت ماندن میزان تولید ۴ کالای

<sup>۱</sup> شاخص مقدار تولید صنعتی (IIP)، شاخص کلیدی عملکرد اقتصادی در اکثر کشورها و از مهمترین نماگرهای کوتاه مدت اقتصادی در آمار رسمی است که در برخی کشورها هم به صورت مستقل و هم در مقایسه با سایر شاخص‌های کوتاه مدت برای ارزیابی عملکرد اقتصادی و تهیه حساب‌های ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شاخص اطلاعاتی را برای ایجاد سیاست‌های اقتصادی و همچنین پیش‌بینی آینده اقتصادی فراهم می‌کند.

منتخب، وضعیت نامساعد بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی را برای تولید و فروش محصولاتشان نشان می‌دهد<sup>۱</sup>.

همچنین، براساس آمارهای منتشر شده توسط اداره کل حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی<sup>۲</sup>، تعداد واحدهای اقتصادی دارای مشکل در سال ۱۳۸۹ شامل ۷۷۹ واحد بوده و طبق بررسی‌های صورت گرفته سالانه نزدیک به ۶ درصد به این واحدها افزوده شده است، به طوری که تعداد بنگاه‌های اقتصادی مشکل‌دار در اقتصاد کشور به رقم ۱۲۸۱ واحد در شهریور ماه سال ۱۳۹۸ رسیده است. شایان ذکر است که مطابق نمودار شماره (۷) تعداد واحدهای اقتصادی دارای مشکل در سال ۱۳۹۱ با شدت گرفتن تحریم‌ها، رشد شتابان نرخ ارز و نیز افزایش نرخ تورم، افزایش یافته است به گونه‌ای که تعداد بنگاه‌های مذکور با رشد بی‌سابقه ۵۶ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۰، به ۱۹۳۲ کارخانه افزایش یافته بود.

نمودار ۷- تعداد بنگاه‌های دارای مشکل (شناسایی شده)



\* آمار مربوط به سال ۱۳۹۸ تا شهریور ماه می‌باشد.  
 مأخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

<sup>۱</sup> وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۸)، گزارش پیش‌بینی بازار کار و شناسایی پیشران‌های کسب و کار در

شرایط تحریم، بهمن ماه ۱۳۹۸

<sup>۲</sup> وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۸)، گزارش پیش‌بینی بازار کار و شناسایی پیشران‌های کسب‌وکار در

شرایط تحریم، بهمن ماه ۱۳۹۸

## وضعیت اشتغال و بازار کار در اقتصاد کشور

با توجه به وضعیت نامساعد تولید و نگاه‌های تولیدی در اقتصاد کشور، ظرفیت‌های اشتغالزایی اقتصاد نیز در شرایط نامطلوبی قرار دارد. بررسی توأمان نمودارهای شماره (۸) و (۹) نشان می‌دهد که به‌ویژه در دو سال اخیر اگرچه نرخ بیکاری کاهش و نسبت اشتغال افزایش یافته است اما با توجه به کاهش نرخ مشارکت اقتصادی<sup>۱</sup>، کاهش خالص ایجاد اشتغال<sup>۲</sup> و عرضه جدید نیروی کار<sup>۳</sup>، شرایط از اثر مایوس شوندگی<sup>۴</sup> قابل توجه در بازار کار کشور حکایت می‌کند و لذا کاهش در نرخ بیکاری عمدتاً ناشی از ناامید شدن افراد از یافتن شغل و خروج آن‌ها از بازار کار بوده است که این موضوع نیز یکی از نشانه‌های بسیار مهم وضعیت نامطلوب بازار کار در اقتصاد کشور است و گویای آن است که بازار کار ایران با شرایط موجود، قدرت لازم و کافی برای جذب افراد در سن کار را ندارد<sup>۵</sup>.

همچنین بر اساس نمودار شماره (۹) می‌توان دریافت که خالص ایجاد اشتغال (به‌کارگیری نیروی کار جدید در هر سال) در اقتصاد کشور روند مطلوبی ندارد و طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ روندی نزولی را طی کرده است. در واقع، شرایط نامطلوب تولید و واحدهای تولیدی در اقتصاد کشور، کاهش تقاضا برای استخدام نیروی کار جدید را به همراه داشته است و ناتوانی بازار کار در جذب افراد جویای کار، سبب نا امید شدن آنها از یافتن شغل و خروج آنها از بازار کار شده است و لذا،

<sup>۱</sup> نرخ مشارکت اقتصادی بیانگر سهم جمعیت فعال (شاغل و بیکار) از کل جمعیت در سن کار است.

<sup>۲</sup> خالص ایجاد اشتغال تغییرات تعداد شاغلین در هر سال نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد. اگر این شاخص مثبت باشد نشان دهنده آن است که چه تعداد شاغل جدید در امسال نسبت به سال گذشته اضافه شده است و منفی بودن آن تعداد اشتغال از دست رفته را در امسال در مقایسه با سال قبل نشان می‌دهد.

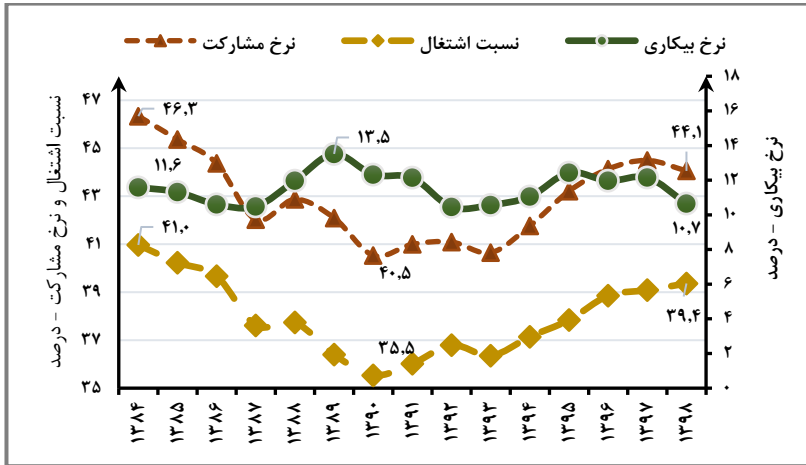
<sup>۳</sup> عرضه جدید نیروی کار بیانگر تغییرات در تعداد افراد متقاضی شغل در هر سال نسبت به سال گذشته آن می‌باشد. به این مفهوم که، اگر این شاخص مثبت باشد متقاضیان جدید بیشتری برای پیدا کردن شغل در امسال وارد بازار کار شدند و منفی بودن آن نشان از کاهش تعداد افراد متقاضی کار در امسال در قیاس با سال قبل دارد.

<sup>۴</sup> Discourage Effect

<sup>۵</sup> سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸

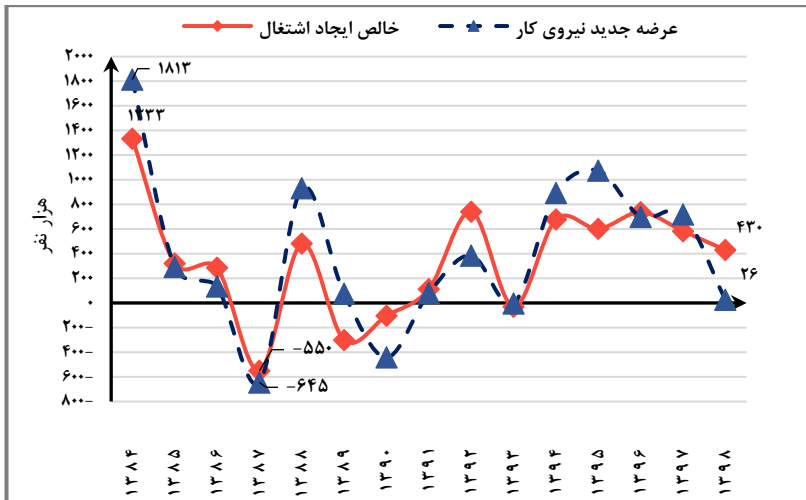
عدم دستیابی آن‌ها به درآمدهای پایدار، قدرت خرید و تقاضای مؤثر این بخش از جامعه را متاثر کرده است.

### نمودار ۸- نرخ بیکاری، نرخ مشارکت اقتصادی و نسبت اشتغال



مأخذ: مرکز آمار ایران

### نمودار ۹- خالص ایجاد اشتغال و عرضه جدید نیروی کار

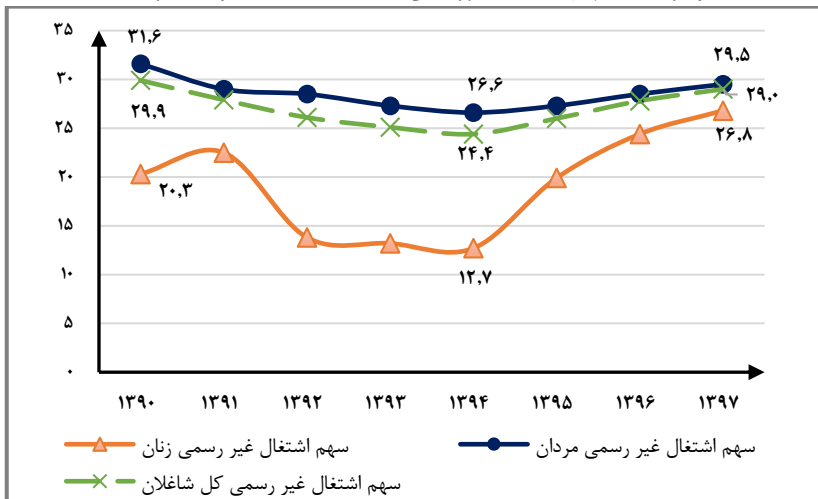


مأخذ: مرکز آمار ایران



یکی دیگر از مواردی که می‌تواند موضوع تقاضای مؤثر و توانایی افراد برای تقاضای محصولات و خدمات در اقتصاد را تحت الشعاع قرار دهد، اندازه بخش غیررسمی در اقتصاد است. منظور از بخش غیررسمی، فعالیت‌هایی است که شاعلان آن‌ها تحت پوشش بیمه‌ای سازمان‌های بیمه‌گر نیستند و در صورت تعدیل نیروی کار از هیچ‌گونه حمایتی برخوردار نمی‌باشند. شایان ذکر است که این افراد اغلب از حقوق و مزایای حداقلی هم ممکن است برخوردار نباشند و معمولاً روز مزد محسوب می‌شوند.

نمودار ۱۰- سهم اشتغال غیررسمی به تفکیک جنسیت (واحد: درصد)



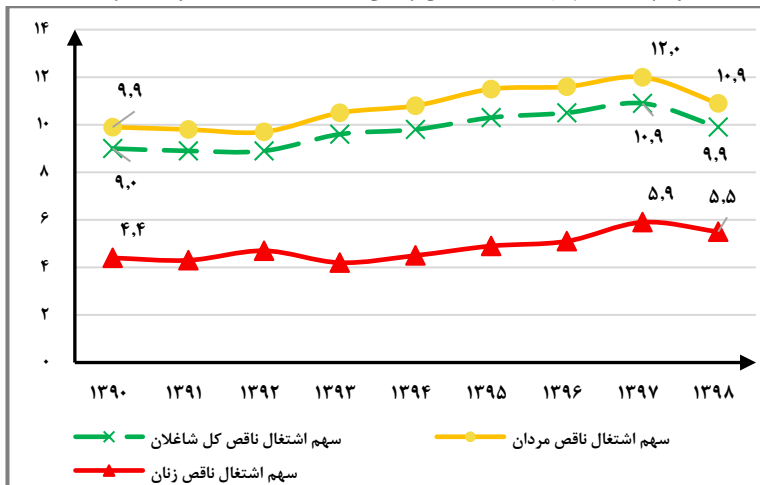
مأخذ: گزارش امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه

مطابق نمودار شماره (۱۰) مشاهده می‌شود که سهم کل اشتغال بخش غیررسمی از ۲۹,۹ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲۴,۴ درصد در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است که دلیل اصلی آن کمک دولت در پرداخت بخشی از سهم بیمه اقشار خاص (مانند کارگران ساختمانی و رانندگان و مددجویان زن سرپرست خانوار) بوده است و پس از آن در یک روند صعودی به ۲۹,۰ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است. شایان ذکر است که سهم شاعلان غیررسمی برای مردان بیشتر از زنان است و چون عموماً اغلب سرپرستان خانوار مرد هستند، شرایط نامطلوب این نوع از مشاغل و ریسک‌های

پیش روی آن‌ها می‌تواند مخاطرات جدی‌تری را برای خانوارها و وضعیت تقاضای مؤثر در کشور پدید آورد<sup>۱</sup>.

بررسی سهم شاغلان دارای اشتغال ناقص، نارسایی بازار کار کشور در جذب تمام وقت افراد جویای کار را نشان می‌دهد. چرا که اشتغال ناقص اشاره به آن دسته از شاغلان دارد که به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیر کاری و... کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده‌اند ولی خواهان و آماده به انجام کار اضافی در هفته مرجح هستند تا از این طریق بتوانند کمبود درآمد خود را جبران کنند.

نمودار ۱۱- سهم اشتغال ناقص زمانی به تفکیک جنسیت (واحد: درصد)



مأخذ: مرکز آمار ایران

همانطور که از نمودار شماره (۱۱) قابل مشاهده است در سال‌های اخیر به‌ویژه از سال ۱۳۹۲ به بعد روند سهم شاغلان دارای اشتغال ناقص، افزایشی بوده به‌طوری‌که از ۸,۹ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۰,۹ درصد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است و نشان دهنده آن است که بخشی از

<sup>۱</sup> سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸

اشتغال ایجاد شده در سال‌های اخیر از نوع پاره‌وقت است که درآمد مکفی برای شاغلان ایجاد نمی‌کند و تحت عنوان مشاغل بی‌کیفیت یا کم کیفیت طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین، مشاهده می‌شود که سهم مردان از اشتغال ناقص زمانی به مراتب بیشتر از زنان است و با توجه به آنکه درصد بالاتری از سرپرستان خانوارها را مردان تشکیل می‌دهند، این موضوع می‌تواند معیشت خانوار را تحت‌الشعاع قرار دهد.<sup>۱</sup>

بر اساس مراتب یاد شده، این نتیجه حاصل می‌شود که معضل کمبود تقاضای مؤثر در اقتصاد کشور به طور عمده معلول شرایط رکود تورمی حاکم بر اقتصاد کشور و ظرفیت‌های پایین اشتغال‌زایی اقتصاد کشور این که وضعیت نیز ناشی از شرایط تحریمی اقتصاد، تورم‌های فزاینده، پرش‌های دفعی در نرخ ارز، تسلط بی‌ثباتی و نااطمینانی بر اقتصاد، گسترش بخش نامولد در مقایسه با بخش تولیدی و... می‌باشد. لذا، تا تنگناهای مترتب بر بخش تولید و بازار کار کشور رفع نگردد، معضل کمبود تقاضای مؤثر در اقتصاد کشور وجود خواهد داشت و رفته رفته تشدید خواهد شد. همچنین، باید در نظر داشت در شرایطی که بنیان‌های تولیدی کشور ضعیف و شکننده است، صرفاً تحریک بخش مصرف نمی‌تواند معضل کمبود تقاضا مؤثر را مرتفع نماید، چون مادامی که بخش تولیدی با تنگنا مواجه است، نمی‌تواند پاسخگوی تقاضا در اقتصاد باشد و تحریک تمایلات مصرفی به علت نارسایی در عرضه محصول در بازار، خود باعث افزایش تورم شده و از این ناحیه نیز به کاهش بیشتر قدرت خرید افراد جامعه می‌انجامد.

در شرایط حاضر اقتصاد کشور از اواخر سال ۱۳۹۸ با شوک پیش‌بینی نشده شیوع ویروس کرونا (Covid-19) مواجه گردیده است و با توجه به آمارهای ارائه شده توسط مرکز آمار ایران شیوع گسترده این ویروس، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کسب‌وکارها داشته است و در صورت تداوم وضع موجود، بیم آن می‌رود که شیوع گسترده این بیماری با دامن زدن به تعطیلی کسب‌وکارها و تعدیل نیروی کار، کاهش اشتغال و در نهایت کاهش دستیابی به درآمد پایدار حاصل کار را

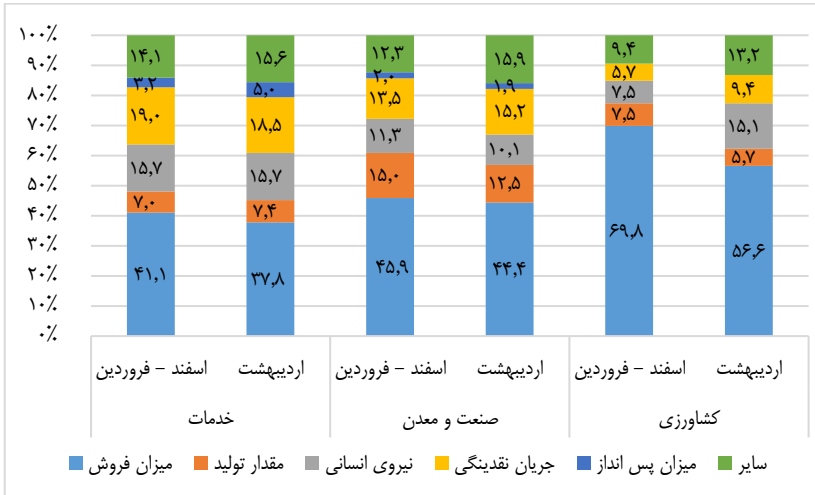
<sup>۱</sup> سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸

موجب شود که در نتیجه این شرایط کاهش رفاه و قدرت خرید خانوارها به ویژه خانوارهای دهک‌های پایین درآمدی و تنزل بیشتر تقاضای موثر در اقتصاد بسیار محتمل خواهد بود.

### ویروس کرونا و معضل تقاضای مؤثر

بررسی نتایج حاصل از طرح نظر سنجی تأثیر کرونا بر ۴۰۰۰ کسب‌وکار که توسط مرکز آمار ایران طی دو دوره به‌طور جداگانه انجام گرفته است (دوره اول در اسفند ۱۳۹۸ و فروردین ۱۳۹۹ و دوره دوم در اردیبهشت ۱۳۹۹)، گویای آن است که شیوع همه‌گیری ویروس کرونا و اعمال سیاست‌های محدودسازی اجتماعی بر فعالیتهای کسب‌وکارهای اقتصادی تأثیر قابل توجهی داشته است. براساس نتایج حاصل از این طرح بیشترین تأثیر شیوع ویروس کرونا بر جنبه‌های مختلف فعالیت کسب‌وکارهای اقتصادی از طریق میزان فروش با ۴۸٫۸ درصد در اسفندماه ۱۳۹۸ و فروردین ماه ۱۳۹۹ و ۴۵٫۷ درصد در اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ بوده است و جریان نقدینگی، نیروی انسانی، مقدار تولید و میزان پس‌انداز به ترتیب در رتبه‌های بعدی تأثیر پذیری از کرونا قرار دارند.

#### نمودار ۱۲- تأثیر کرونا بر جوانب گوناگون فعالیت کسب و کارهای اقتصادی (واحد: درصد)

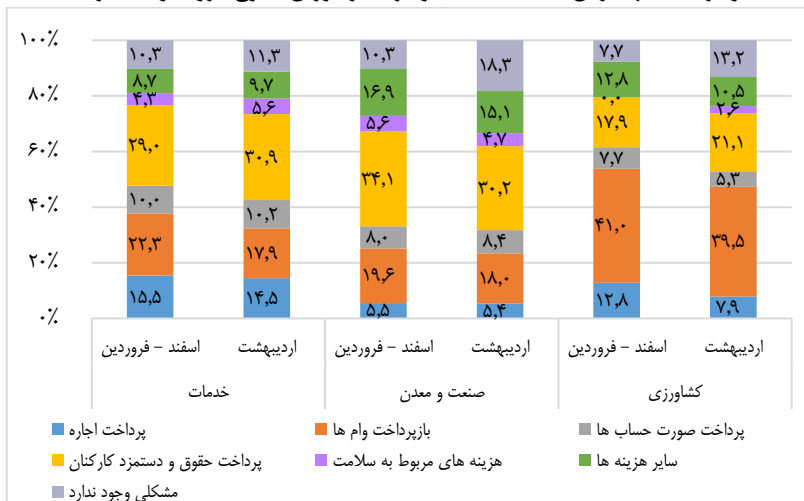


مأخذ: گزارش پژوهشکده آمار

مطابق با در نمودار شماره (۱۲) نیز می‌توان تأثیر کرونا بر جنبه‌های مختلف فعالیت کسب و کارها را به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی مشاهده کرد. همانطور که ملاحظه می‌گردد، شیوع این بیماری تأثیری قابل توجهی در کاهش تقاضای مؤثر در جامعه داشته است چرا که کاهش فروش نتیجه کاهش یا تعویق در تقاضا افراد جامعه است.

از زاویه‌ای دیگر، نتایج طرح نظرسنجی تأثیر کرونا بر وضعیت اشتغال کسب‌وکارها اقتصادی، گویای آن است که حدود ۳۰٫۱ درصد از کسب‌وکارهای اقتصادی در اسفند ۱۳۹۸ و فروردین ۱۳۹۹ و حدود ۲۰٫۱ درصد از کسب‌وکارها در اردیبهشت ۱۳۹۹، حداقل یک نفر را تعدیل کرده‌اند. از طرفی دیگر در رابطه با اثر شیوع ویروس کرونا بر استخدام نیروی کار جدید در سه بخش عمده اقتصادی آمارها حاکی از آن است که حدود ۸ درصد در اسفند و فروردین حداقل یک نفر نیروی انسانی جدید به کار گرفته‌اند و در اردیبهشت این رقم به ۱۱٫۳ درصد افزایش یافته است. همانطور که مشخص است تأثیر شیوع ویروس کرونا بر تعدیل نیروی کار به مراتب بیشتر از استخدام و به کارگیری نیروی کار جدید بوده است.

نمودار ۱۳- مهمترین مشکلات کسب‌وکارها در دوران شیوع کرونا (واحد: درصد)



مأخذ: گزارش پژوهشکده آمار

همچنین، بر اساس نتایج حاصله از این طرح آمارگیری، مهم‌ترین مشکلاتی که فعالان اقتصادی در دوره شیوع ویروس کرونا با آن مواجه شده‌اند به پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان و بازپرداخت وام‌ها مربوط می‌شود (نمودار شماره (۱۳)).

از این رو، تداوم ناتوانی کسب‌وکارها در پرداخت به موقع حقوق و دستمزد، مشکل کمبود تقاضای موثر در اقتصاد کشور حادث می‌سازد. شایان ذکر است که کمبود تقاضا با توجه به اعمال سیاست محدودیت‌های اجتماعی نظیر قرنطینه در دوران شیوع ویروس کووید-۱۹ از موارد مؤثر بر فضای کسب و کار در کشور بوده و بر اساس نظرات فعالان اقتصادی یکی از راهکارهای برون رفت از معضل کمبود تقاضا یا دست کم تقلیل آن می‌تواند استفاده از ابزار فروش اینترنتی در این دوران باشد<sup>۱</sup>.

### جمع بندی

همانطور که ملاحظه شد، مشکل کمبود تقاضای مؤثر یکی از چالش‌های اقتصاد کشور است که معلول فضای نامساعد کسب‌وکار، تحریم‌های تحمیلی به اقتصاد کشور، جهش‌های مکرر در نرخ ارز، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و... بوده که عدم توجه به آن تبعات سوء قابل ملاحظه‌ای را در پی خواهد داشت.

در شرایط حاضر، شیوع همه‌گیری کرونا و اعمال سیاست‌های محدودسازی اجتماعی نیز تأثیر قابل توجهی بر فعالیت‌های کسب‌وکارهای اقتصادی داشته است. از جمله می‌توان به افت شدید فروش کسب‌وکارها و به تبع آن کاهش قابل ملاحظه درآمدزایی آن‌ها اشاره کرد که تداوم این شرایط نیز می‌تواند با تعمیق هر چه بیشتر مشکلاتی همچون تعدیل نیروی کار، تأخیر در پرداخت دستمزدها، عدم تمایل به استخدام نیروی کار جدید و... ظرفیت‌های اشتغال‌زایی اقتصاد را محدود و دستیابی به درآمد پایدار را با دشواری مواجه سازد که برآیند تمامی موارد مورد اشاره، کاهش قدرت خرید خانوارها و افت بیشتر در تقاضای مؤثر به همراه خواهد داشت.

<sup>۱</sup> پژوهشکده آمار، ۱۳۹۹

از این رو، حرکت به سمت رفع مشکل کمبود تقاضای مؤثر نیازمند نگرشی جامع در راستای بهبود فضای کلان اقتصاد است، به نحوی که مشوق تولید، بهبود دهنده ظرفیت‌های اشتغال‌زایی اقتصاد و ارتقا دهنده وضعیت رفاهی خانوارها باشد. بر این اساس، ارتقاء ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد کشور باید در کانون توجه سیاستگذاران قرار گیرد. در این راستا بهبود محیط کسب‌وکار و بسترسازی برای ورود سهل سرمایه‌گذاران و کارآفرینان به عرصه فعالیت‌های مولد اقتصادی از الزامات اولیه ارتقای ظرفیت‌های تولید محسوب می‌شود. همچنین، در راستای حفظ ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد کشور و کاهش پیامدهای اقتصادی شیوع ویروس کرونا بر کسب‌وکارها، ضرورت دارد برنامه‌های حمایتی مشخصی در حوزه‌های مالیاتی، تأمین اجتماعی و تأمین سرمایه گردش، به‌منظور حمایت از کسب‌وکارهای اقتصادی که از شیوع ویروس کرونا آسیب دیده اجرایی گردد.

## منابع

### فارسی

۱. برانسون، ویلیام اچ. (۱۳۸۸)، تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان، ترجمه دکتر عباس شاکری، نشر نی.
۲. پژوهشکده آمار (۱۳۹۹)، تأثیر ویروس کرونا بر کسب و کارهای ایرانی.
۳. امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۸)، بررسی تحولات بازار کار در فصل پاییز سال ۱۳۹۸، شماره گزارش ۱۴۰-۸.
۴. امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۸)، برآورد میزان اشتغال غیر رسمی به تفکیک زن و مرد در دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۷، شماره گزارش ۱۳۹-۸.
۵. مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده نگری سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۷)، تحلیلی بر تحولات اشتغال و چشم‌انداز آن بر مبنای ارزیابی لایحه بودجه سال.
۶. شاکری، عباس (۱۳۹۵)، مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران، نشر رافع.
۷. شاکری، عباس (۱۳۸۷)، نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان (جلد اول)، نشر پارسا نوپسا.
۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵)، تحلیل بخش حقیقی اقتصاد ایران، عملکرد بخش‌ها و رشد اقتصادی سال ۱۳۹۴، شماره مسلسل ۱۴۹۹۷.
۹. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال (۱۳۹۸)، پیش بینی بازار کار و شناسایی پیشران‌های کسب و کار در شرایط تحریم.

### انگلیسی

1. Keynes, J. M., (2018). The General Theory of Employment, Interest and Money, Palgrave macmillan
2. Mahajan, M. (2008). Macroeconomic Analysis, Nirali Prakashan



## فرم ارزیابی بروشور

۱- مفاهیم ارائه‌شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می‌کنید؟

عالی  خوب  متوسط  ضعیف

۲- آیا با تهیه نسخه‌های بعدی بروشور موافقت می‌کنید؟

بلی  خیر

۳- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه‌های بعدی بروشور چیست؟

.....

.....

.....

۴- از نظر شما در نسخه‌های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته شود؟

.....

.....

.....

۵- برگزاری چه دوره‌های آموزشی را برای به‌روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می‌نمایید؟

.....

.....

.....